

احتیاط؛ اصل عرفی در اتحادیه اروپایی؟

عباسعلی کدخدایی^{۱*}، اسماء سالاری^۲

چکیده

اصل احتیاط از هنگام ظهور در سپهر حقوق بین‌الملل تا به امروز، موضوع بحث‌های مفصل میان دکتربین بوده است. عبارت‌پردازی‌های متفاوت از اصل و انعکاس آن در اسناد بین‌المللی با خصوصیت الزام‌آوری متفاوت، سبب شده است که تقریب آرا حاصل نشود. مطالعه ادبیات مرتبط با موضوع بر نقش خاص اتحادیه اروپایی و دول عضو آن در قوام هرچه بیشتر اصل مهر تأیید می‌زند؛ نقشی که تنها به مواضع جانبدارانه از اصل در دعاوی بین‌المللی محدود نشده است و تجلی این مفهوم در اسناد، مقررات و آرای مراجع قضایی گستره موصوف را نیز دربر می‌گیرد. این مقاله با روشی توصیفی-تحلیلی و از طریق کنکاش در قوانین داخلی دول اروپایی و آن دسته از اسناد و آرای قضایی اتحادیه که با اصل احتیاط ارتباط دارند، در پی آن است که وصف عرفی را برای اصل احتیاط در اتحادیه اروپایی تأیید یا رد کند.

کلیدواژگان

اصل احتیاط، اصل عرفی منطقه‌ای، دیوان دادگستری اروپایی، قواعد ثانویه، محیط‌زیست و سلامت عمومی.

۱. استاد گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: kakhoda@ut.ac.ir

۲. دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۱۰

مقدمه

پیشرفت سریع و کنترل ناپذیر فناوری در کنار فراهم کردن موجبات آسایش برای ما ساکنان کره خاکی، زمینه ورود ضررهای جدی و جبران ناپذیری به محیط زیست را نیز به وجود آورده است؛ زیان‌هایی که سطح فعلی دانش، توان درک و شناخت دقیق و کامل آن‌ها را ندارد. آگاهی‌های جمالی به تبعات غیرقابل اغماض بی‌تفاوتی در برابر ریسک‌های نامعلوم سبب شد اصل احتیاط در حقوق محیط زیست مطرح شود و علاوه بر خاستگاه خود یعنی عرصه حقوق داخلی، به ساحت حقوق بین‌الملل نیز تسری یابد. منطق اصل مقرر می‌دارد که در برابر ریسک‌های مبهم، قبل از اثبات روابط علی- معلولی میان عمل و خسارت محتمل، اقدام شود.

به موازات پذیرش اصل احتیاط در قوانین مرتبط با محیط زیست و سلامت عمومی دولت‌ها، بیش از پنجاه توافق‌نامه حقوقی الزام‌آور و چهل سند غیرالزام‌آور بین‌المللی پذیرای این مفهوم شده‌اند (Vander Zwaag, 2013: 617). اسنادی با تأثیر متفاوت حقوقی که در قالب‌های مختلفی چون اعلامیه‌ها، بیانیه‌های مجامع، اجلاس‌های بین‌المللی و کنوانسیون‌های لازم‌الاجرا تنظیم شده‌اند. تکرر زمینه‌ها و قالب‌های میزبان اصل، در عین اینکه بیانگر ظرفیت بالقوه احتیاط جهت اعمال در قلمروهای مختلف حقوق موضوعه است، این واقعیت را نیز نشان می‌دهد که نظرهای متفاوت و گاه متعارضی در قبال آن در میان دولت‌ها، مراجع قضایی و دکتربین وجود دارد. وجود چهارده عبارت‌پردازی متفاوت از اصل احتیاط (Bodansky, 2004: 382)، خواننده را با ابهامات بسیاری در خصوص اصل و وضعیت حقوقی آن مواجه می‌کند، به طوری که ارکان عبارت‌پردازی‌ها متفاوت است و بر سر معنای هر رکن اتفاق نظر وجود ندارد. در یک تعریف، آستانه در نظر گرفته شده برای خسارت محتمل، بازگشت ناپذیری و جدی بودن است و در تعریفی دیگر مهم بودن آن. در یک سند، شرط اتخاذ اقدام احتیاطی، انجام تحلیل هزینه- منفعت است، اما در سندی دیگر اشاره‌ای به ضرورت انجام این تکنیک نمی‌شود. واژگان دخیل در تعاریف مانند ریسک و نبود قطعیت، کلی و مبهم‌اند و تاب هرگونه تفسیری را دارند. این ملاحظات سبب شده است که برخی اصل احتیاط را تنها یک رویکرد و مفهومی غیرحقوقی بدانند که مطلوب است در اتخاذ سیاست‌گذاری‌های کلان مدنظر قرار گیرد (Ruessmann, 2002: 911) و برخی آن را اصل کلی حقوق یا اصلی عرفی محسوب کنند (Sands & Peel, 2012: 228). گروهی نیز ترجیح دهند تا روشن‌تر شدن ابعاد اصل، جانب نظری را نگیرند (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۲: ۱۶۰-۱۶۲؛ موسوی و آرش‌پور، ۱۳۹۴: ۱۷۷).

تفاوت‌نظرها به جامعه دکتربین منحصر نمانده و در میان دولت‌ها نیز مشهود است که البته سطح واگرایی نظرها در میان دول اروپایی و نظام حقوقی اتحادیه بسیار کمتر است، به طوری که در این گستره، حداقل بر حقوقی بودن مفهوم مورد بحث اشتراک نظر وجود دارد. در این نوشتار

قصد بر آن است وجود یا نبود وصف عرفی برای اصل احتیاط در این منطقه را نتیجه‌گیری کنیم. برای نیل به مقصود، انعکاس اصل در قوانین داخلی دول، اسناد و مقررات اتحادیه و مراجع قضایی اروپایی بیان و بررسی می‌شود که آیا رویه قضایی قادر بوده است ابهامات مطروحه را رفع یا کمتر کند و چارچوبی منسجم برای اعمال اصل ارائه دهد؟

قوانین داخلی دولت‌ها

اکثریت قریب به اتفاق دکترین، منشأ اصل احتیاط را تأسیس حقوقی Vororsorgeprinzip می‌دانند که در دهه هفتاد میلادی در نظام حقوقی آلمان رخ داد و مقرر می‌دارد که اقدامات مقتضی برای جلوگیری از ورود ضرر به محیط‌زیست حتی در وضعیتی که نبود قطعیت علمی وجود دارد، باید اتخاذ شود. معنی لغوی vorsorge، توجه و مراقبت پیشاپیش همراه با نگرانی است و دائر بر این امر است که اگر عقل و علم انذار دادند که اقدامی ممکن است به ورود ضرر منجر شود، دولت وظیفه دارد رفتار جامعه را با اقناع یا تنظیم قاعده تغییر دهد (Feintuck, 2005: 374). به این اصل در قانون‌های هوای پاک، کنترل آلاینده‌ها، انرژی هسته‌ای، مدیریت آب و مقررات مربوط به زیست‌فناوری اشاره شده است (De Sadeleer, 2002: 93). در نظام حقوقی این کشور، همراه با اصل احتیاط، اصل تناسب نیز اعمال و همیشه این منطق لحاظ می‌شود که امکان امحای کلیه عوامل صدمه‌زننده به محیط‌زیست وجود ندارد (Bicego, 1996: 4). در منطقه نوردیک^۱، نخستین بار به اصل احتیاط در سال ۱۹۸۹، در دو بیانیه کنفرانس مجالس کشورهای نوردیک و کنفرانس بین‌المللی شورای نوردیک استناد شد. با وجود شرکت دولت‌های این منطقه در تنظیم اسناد متعدد بین‌المللی مرتبط با حوزه محیط‌زیست که حاوی اصل احتیاط است، تنها سوئد و فنلاند اصل را به‌صراحت در قوانین داخلی‌شان گنجانده‌اند. اصل احتیاط در قانون محیط‌زیست سوئد، تنها جواز اقدام در حالت نبود قطعیت را نمی‌دهد، بلکه تکلیفی گسترده بر «مواظبت» ایجاد می‌کند که در نظام حقوقی این کشور همراه با اصل جایگزین‌سازی^۲ اعمال می‌شود (Michanek, 2007: 126). بند ۲ بخش چهارم قانون حفاظت از محیط‌زیست فنلاند نیز اصول محیط‌زیستی از جمله احتیاط را لیست کرده است (Hello, 2007: 80). در حوزه محصولات ژنتیکی نو ترکیب نیز مشاهده می‌شود که کلیه مقررات کشورهای این منطقه بر اصل احتیاط مبتنی شده‌اند (De Sadeleer, 2007: 381). در قوانین مصوب دولت انگلیس، نشانی از اصل احتیاط دیده نمی‌شود. این دولت گام‌های آغازین در

۱. این منطقه از کشورهای دانمارک، فنلاند، سوئد، ایسلند و نروژ تشکیل می‌شود.

2. Substitution Principle.

اصل اخیر مشعر بر این معناست که افراد مسئول‌اند محصول دارای خطر کمتر که در دسترس است را انتخاب کنند.

اهمیت دادن به اصل مدنظر را در اسناد مربوط به سیاست‌گذاری‌هایش مانند کاغذ سفید^۱ و ایلگرا^۲ برداشته است (Zander, 2010: 217-219). دادگاه عالی اداری فرانسه، اولین بار در حوزه‌های غیرزیست‌محیطی، رأی مربوط به خون‌های آلوده، موضعی احتیاطی اتخاذ کرد. این دادگاه در بخشی از رأی، دولت فرانسه را سرزنش کرد که چرا با وجود خطری جدی که نیاز به انتظار برای قطعیت علمی را مرتفع می‌کند، اقدامی نکرده است (De Sadeleer, 2002: 130-131). ماده (۱) ۱۱۰ ل. قانون محیط‌زیست فرانسه، اصل احتیاط را تعریف و اذعان کرده است که این اصل باید در سیاست‌های حفاظت از محیط‌زیست این کشور در اولویت قرار گیرد. تصویب منشور محیط‌زیست به‌منزله بخشی از مقدمه قانون اساسی فرانسه در سال ۲۰۰۴ و درج اصل احتیاط در بند پنجم آن، نقطه عطفی در مسیر پیش‌رونده اصل در این سرزمین تلقی می‌شود.^۳ قبل از شناسایی رسمی اصل احتیاط در نظام حقوقی بلژیک، این مفهوم در دو رأی دادگاه قانون اساسی کشور مذکور به طور ضمنی اعمال شده است که موضوع آن‌ها اخذ مالیات زیست‌محیطی بر بسته‌بندی‌هایی از جنس پلی وینیل کلراید (پی وی سی) و امحای توده‌های سنگ‌شن در استان لیمبورگ بوده است. اولین کاربرد صریح اصل احتیاط در سیاست‌های زیست‌محیطی، در فرمان ۵ آوریل ۱۹۹۵ در منطقه فلاندرز دیده می‌شود که سیاست‌های زیست‌محیطی را بر اصل احتیاط مبتنی می‌داند تا بتوان به‌وسیله آن به سطح بالایی از حفاظت دست یافت. به دلیل بروز برداشت‌های متفاوت از فرمان یادشده، مقنن در سال ۱۹۹۹ در ماده ۴ قانون فدرال حفاظت از محیط‌زیست دریایی به‌صراحت بر اعمال اصل احتیاط بر فعالیت‌های موضوع این قانون تأکید کرد (Ibid, 2000: 149-150).

مقررات اولیه و ثانویه اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا از طلایه‌داران اعمال و حمایت از اصل احتیاط است. این پشتیبانی هم در اسناد اولیه و مقررات ثانویه آن بروز کرده و هم در مواضعش در دعاوی بین‌المللی برجسته شده است. در این بند به وضعیت اصل در اسناد و مقررات لازم‌الاجرای اتحادیه و حوزه‌های تحت‌الشمول آن اشاراتی شده است.

اصل احتیاط که اولین بار با معاهده ماستریخت وارد حقوق اتحادیه اروپا شد، جزو قواعد الزام‌آور این گستره جغرافیایی بوده و در ماده ۱۹۱ معاهده کارکرد اتحادیه^۴ ذیل عنوان

1. White Paper.

2. Inter-Departmental Liaison Group on Risk Assessment (ILGRA).

۳. درخصوص ارزش منشور محیط‌زیست به‌منزله بخشی از مقدمه قانون اساسی فرانسه، ذکر این نکته کافی است که اعلامیه حقوق فرد و شهروند ۱۷۸۹، قسمت دیگر مقدمه قانون اساسی فرانسه را تشکیل می‌دهد و هر دو در یک جایگاه قرار دارند.

4. Treaty on the Functioning of the European Union (TFEU).

محیط‌زیست منعکس شده است. در بند یک این ماده، هدف از سیاست‌های زیست‌محیطی نگهداری، حفاظت و ارتقای سطح کیفیت محیط‌زیست و محافظت از سلامت عمومی معرفی شده است و در بند دوم خاطرنشان می‌شود که سیاست اتحادیه در حوزه محیط‌زیست باید به دنبال بالاترین سطح حفاظت و مبتنی بر اصل احتیاط و پیشگیری باشد. بدین ترتیب نهادهای اتحادیه باید در تصمیمات خود، اصل احتیاط را رعایت کنند و در صورت نقض آن، اقداماتشان قابل بازبینی قضایی خواهد بود. باید توجه داشت که ماده مذکور تنها بر نهادهای اتحادیه، لازم‌الاتباع است و در حوزه‌هایی که قواعد ثانویه هماهنگ‌کننده وضع نشده است، اثر مستقیم در اقدامات دول عضو در سطح ملی ندارد (Ibid, 2010: 175). سؤالی در اینجا مطرح می‌شود؛ اگر در موضوعات مرتبط با محیط‌زیست که در خصوص آن‌ها قواعد ثانویه وضع شده است، تصریح به رعایت اصل در متن یا مقررات اجرایی آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها صورت نپذیرد، آیا اصل اثر و تکلیفی بر دول عضو در سطح داخلی‌شان نخواهد داشت؟ پاسخ به این پرسش را باید با نگاه به دو ماده ۱۹۱ (سیاست‌های زیست‌محیطی و ابتدای آن‌ها بر اصل احتیاط) و بند ۳ ماده ۴ معاهده کارکرد داد. ماده اخیر مقرر می‌دارد: «دول عضو مکلف‌اند هرگونه اقدام مناسبی که تضمین می‌کند تعهدات ناشی از معاهده یا تصمیمات نهادهای اتحادیه ایفا می‌شود را انجام دهند و باید اجرای امور اتحادیه را تسهیل کرده و از اتخاذ اقداماتی که نیل به اهداف معاهده را به خطر می‌اندازد، خودداری کنند». خوانش ماده ۱۹۱ در پرتو بند ۳ ماده ۴ ما را به این پاسخ رهنمون می‌کند که دول عضو تحت تعهدات گسترده زیست‌محیطی مشتمل بر حفاظت، حراست، پیشگیری و احتیاط قرار دارند، اگرچه در متن تصمیمات به آن‌ها تصریح نشود (Ibid: 175). اصل احتیاط در حقوق اتحادیه تنها به حوزه محیط‌زیست منحصر نمانده و دو قلمرو گسترده سلامت عمومی و حمایت از مصرف‌کننده را نیز زیر چتر خود گرفته است.

غیر از معاهده کارکرد، اصل احتیاط در اسناد سخت و نرم متعددی در اتحادیه منعکس شده است که به صورت مختصر به چند مورد اشاره می‌کنیم. بحران جنون گاوی در سال ۱۹۹۷، توجه نهادهای اتحادیه به بحث ایمنی غذایی را برانگیخت. در آوریل آن سال، کمیسیون در ابلاغیه ایمنی غذایی و سلامت مصرف‌کننده خاطرنشان کرد که در موارد نبود قطعیت یا ناکافی بودن مبانی علمی، کمیسیون در تحلیل ریسک به وسیله اصل احتیاط راهنمایی خواهد شد (Communication from the Commission, Consumer Health and Food Safety, 1997: 20). ابلاغیه سال ۲۰۰۰ کمیسیون در خصوص اصل احتیاط، تنویر رویکرد اتحادیه در قبال این مفهوم را وارد مرحله جدیدی کرد. سندی نرم که تلاش کرد چارچوبی معقول و متوازن برای اعمال اصل ارائه کند و در عین حفاظت از محیط‌زیست و سلامت عمومی، از حمایت‌گرایی و دخالت غیرضرور در آزادی‌ها و حقوق افراد، سازمان‌ها و صنایع بپرهیزد. طبق این سند، اصل احتیاط تصمیمی سیاسی است. قبل از اتخاذ تصمیم احتیاطی، تمامی دلایل

علمی موجود در خصوص یک ریسک قابل تعیین (و نه فرضی) و آثار مضر محتمل آن بررسی و اصول تناسب، منع تبعیض و یکپارچگی حقوقی رعایت می‌شوند. تحلیل کلی هزینه-منفعت از عوامل اقتصادی و غیراقتصادی در ابعاد کوتاه و بلندمدت صورت می‌گیرد و در نهایت اقدامی آگاهانه، معقول و غیرخودسرانه اتخاذ می‌شود. تصمیم اتخاذی می‌تواند در طیفی گسترده از اقدام کردن تا نکردن باشد که البته در این تصمیم‌گیری؛ اصول تناسب، منع تبعیض، مقرون به صرفگی براساس تحلیل هزینه-منفعت، یکنواختی (با تصمیمات اتخاذی در موارد مشابه) و در نظر گرفتن مستمر پیشرفت‌های علمی لحاظ خواهد شد. تصمیمات مذکور، در پرتو دلایل علمی جدید قابل بازنگری خواهند بود (Summary of the Communication from the Commission on the precautionary principle, 2001: 5-6).

در قلمرو ایمنی غذایی، از مهم‌ترین اسناد، آیین‌نامه ۱۷۸/۲۰۰۲ با موضوع شرایط و اصول کلی حقوق غذایی اتحادیه است که ضمن اعلام اصل احتیاط به منزله اصل کلی حقوقی اتحادیه در حوزه یادشده، شرایط اعمال آن را در بندهای ۱ و ۲ ماده ۷ خود بدین گونه بیان کرده است: انجام ارزیابی ریسک، امکان سنجی ورود ضرر بر سلامت عمومی با وجود نبود قطعیت علمی، اتخاذ اقدامات موقت، در نظر گرفتن سطح بالای حفاظت از سلامت و رعایت تناسب. در خصوص مواد شیمیایی، ماده‌های ۱ و ۳ آیین‌نامه ۱۹۰۷/۲۰۰۶ با عنوان ثبت، ارزیابی، تجویز و محدودیت بر مواد شیمیایی^۱ تصریح می‌کنند که این مصوبه بر اصل احتیاط مبتنی است و بار اثبات اولیه بی‌ضرری، بر تولیدکنندگان و واردکنندگان محصولات موضوع این آیین‌نامه قرار دارد. در ضمیمه ۴ دستورالعمل پیشگیری یکپارچه آلودگی و کنترل^۲، ۱/۲۰۰۸، مقرر شده است که هنگام تعیین بهترین فناوری در دسترس برای صدور مجوز فعالیت تأسیسات، اصل احتیاط باید در نظر گرفته شود. بند ۴ ماده ۱ آیین‌نامه ۱۱۰۷/۲۰۰۹ مربوط به آفت‌کش‌های محافظ محصولات^۳، بر پشتیبانی سند از طریق اصل احتیاط اذعان دارد و اجازه می‌دهد که دولت‌ها در حالت نبود قطعیت نسبت به ریسک‌های محتمل که از این نوع آفت‌کش‌ها ناشی می‌شوند، اقدامات احتیاطی اتخاذ کنند. در بند ۱ ماده ۱ آیین‌نامه جدید زیست‌کش‌ها^۴، ۵۲۸/۲۰۱۲، تصریح شده است که مواد این سند از طریق اصل احتیاط پشتیبانی می‌شوند؛ اصلی که به دنبال حفاظت از سلامت انسان، حیوان و محیط‌زیست است.

از آنچه ارائه شد به خوبی می‌توان تمایل اتحادیه را در ورود اصل احتیاط به تمام حوزه‌هایی که با سلامت انسان و محیط‌زیست در ارتباط است دریافت.

1. Registration, Evaluation, Authorization and Restriction on Chemicals (REACH).
 2. Integrated Pollution Prevention and Control IPPC.
 3. the placing of plant protection products on the EU market.
 4. Biocidal Products Regulation.

مراجع قضایی اروپایی

شاید اگر ادعا کنیم در حقوق بین‌الملل نقش بی‌بدیل و محوری در اعطای اهمیت و معنا به اصل احتیاط، از آن مراجع قضایی اروپایی است، سخن به گزافه نرانده باشیم. در این بند ابتدا مواردی از اعمال اصل در زمینه‌های گوناگون ارائه، سپس تلاش می‌شود از خلال بیانات دادگاه‌ها، قالب طراحی شده برای اصل تبیین شود.

۱. اعمال اصل

قبل از ورود اصل به اتحادیه اروپایی از طریق معاهده ماستریخت، منطق آن از سوی دیوان دادگستری اروپایی و برخی دادگاه‌های ملی اعمال شده است. در آن مقطع، نگاه احتیاطی در پرونده‌های مربوط به نبود قطعیت علمی و جریان آزاد کالا، قابل ردیابی است. اصل جریان آزاد کالا که مبنای بازار مشترک اروپایی است مانع وضع محدودیت‌های تجاری میان اعضا می‌شود؛ مگر در شرایط خاص مانند حفاظت از سلامت که در مواد ۲۸ تا ۳۰ معاهده جامعه اروپا ذکر شده است و تا جایی که این استثنائات محدودیت خودسرانه، تبعیض‌آمیز و پنهان بر تجارت نباشند و با هدف حفظ سلامت، متناسب باشند.

در پرونده دادستان علیه فرایند تولید پنیر در سال ۱۹۸۱، ممنوعیت وضع شده هلند به موجب فرمان ۱۱ جولای ۱۹۴۹ در استفاده از نوعی آنتی‌بیوتیک -نیزین- در تولید پنیر بررسی شد. استفاده از این افزودنی تنها در هلند ممنوع بود و سایر دول یا ممنوعیتی وضع نکرده یا مقدار مشخصی تعیین کرده بودند (Nisin Case, 1981: 10). داده‌های علمی نیز نتیجه‌ای متقن در میزان بدون ضرر نیزین ارائه نمی‌کردند. دیوان این نبود قطعیت علمی را دلیل نبود یکنواختی در موضع قوانین دول عضو نسبت به افزودنی‌ها می‌دانست و بر این نظر بود این تفاوت رویکرد در جریان آزاد کالا در اتحادیه اثرگذار است، اما وضع محدودیت بر نیزین در حیطه اختیار اعطایی ماده ۳۶ معاهده جامعه اروپاست (Ibid: 14-15). دادگاه با وجود نبود قطعیت علمی و یکنواختی در قوانین دیگر دول جامعه، بدون اشاره صریح به اصل احتیاط، اقدام دانمارک را برای حفاظت از سلامت عمومی موجه دانست و آن را تهدید پنهان بر تجارت بین‌الملل شناسایی نکرد (Ibid: 16).

مورد دیگر، قضیه شرکت ساندوز است که با وجود فروش محصولاتش در برخی دول عضو جامعه، مورد شکایت هلند به دلیل دریافت نکردن مجوز قبلی قرار گرفت. این شرکت درخواست مجوز کرده بود، اما هلند به دلیل استفاده این تولیدکننده از ویتامین‌های آ و د در نوشیدنی‌ها و فرآورده‌های غذایی‌اش تقاضا را نپذیرفت (Sandoz Case, 1983: 2-4). دادگاه در رأی سال ۱۹۸۳، با اشاره به اطلاعات علمی ارائه شده، نبود قطعیت علمی در ضرررسانی استفاده از

ویتامین‌ها را نتیجه‌گیری و خاطرنشان کرد تا زمانی که وضعیت نبود قطعیت وجود دارد بر دول عضو است که تعیین کنند چه سطحی از حفاظت از سلامت انسانی را مدنظر دارند که البته در این تصمیم‌گیری به اصل آزادی تجارت در اتحادیه نیز توجه خواهند داشت (Ibid: 11-16). دیوان نتیجه گرفت که با وجود نبود قطعیت در مضر بودن ویتامین‌ها بر سلامت انسان و با توجه به قوانین داخلی دول که فروش فرآورده‌ها را بدون اخذ مجوز قبلی ممنوع می‌کند، اقدام هلند بر اساس هدف سلامت انسانی طبق ماده ۳۶ معاهده جامعه موجه است (Ibid: 17).

در قضیه جنون گاوی با توجه به نبود قطعیت، فوریت و جدیت ریسک، کمیسیون اروپایی با تصویب تصمیم‌نامه ۲۳۹/۹۶، بر صادرات گوشت حیوانات اهلی از انگلیس ممنوعیت موقت صادر کرد. انگلیس و ایرلند خواستار لغو مصوبه مذکور شدند و تقاضای خود را با ادعاهایی چون سوءاستفاده کمیسیون از اختیارات خود، مبتنی نبودن تصمیم بر دلایل علمی، نقض اصل جریان آزاد کالا و تناسب همراه کردند (Mad cow Case, 1999: 31). دیوان اروپایی در این پرونده اظهار داشت شواهد نشان می‌دهند هنگام اتخاذ تصمیم، نسبت به ریسک ناشی از استعمال گوشت حیوانات، نبود قطعیت قابل ملاحظه‌ای وجود داشته است. وقتی نسبت به وجود یا میزان ریسک بر سلامت انسان قطعیتی وجود ندارد، نهادهای جامعه می‌توانند بدون انتظار برای تحقق یا شدت یافتن ریسک، اقدامات حفاظتی را مقرر کنند (Ibid: 98-99). به تأیید دادگاه، اقدام کمیسیون اقدامی موقت و اضطراری است که در پرتو اطلاعات جدید بازبینی خواهد شد. همچنین، مبنای اعمال این اقدام پیشگیرانه، ماده ۱۱ معاهده کارکرد است که الزامات حفاظت از محیط‌زیست مانند اقدامات پیشگیرانه (احتیاطی) را در حوزه سلامت عمومی نیز قابل اعمال می‌داند (Ibid: 100-101).

در رأی آرماند موندیه، آیین‌نامه ۳۴۵/۹۲ با عنوان مقررات فنی برای حفظ منابع شیلات، مورد اعتراض یک مالک کشتی قرار گرفت. بند آ ماده ۹ این مصوبه، استفاده از تورهای با عرض بیش از ۲/۵ کیلومتر را ممنوع کرده بود (Mondiet Case, 2003: 4). خواهان مدعی شد که هیچ‌گونه دلیل علمی، ممنوعیت مندرج در این سند را تأیید نمی‌کند و دلیلی وجود ندارد که تورهای بزرگ‌تر به این‌گونه از جانداران ضرر بزند؛ در نتیجه این مقرر با اطلاعات علمی موجود هم‌خوانی ندارد (Ibid: 29). همچنین خواهان بر این نظر بود که مصوبه بی‌اعتبار است، زیرا وضع محدودیت در آن به دلایل زیست‌محیطی و اکولوژیکی و نه حفاظت از شیلات است (Ibid: 17). دیوان اروپایی در رأی ۱۹۹۳ ادعاهای خواهان را رد و خاطرنشان کرد که به موجب ماده ۱۱، نهادهای اتحادیه می‌توانند در خلال تصمیمات و فعالیت‌های غیرزیست‌محیطی، الزامات حفاظت از محیط‌زیست را نیز اعمال کنند، لذا رعایت ملاحظات زیست‌محیطی در تصمیم صادره معتبر است (Ibid: 26-28). دیوان در ادامه، با اذعان به هدف حفاظت از انسان‌ها و وضعیت نبود قطعیت علمی، تأکید کرد که شورا در اعمال اختیاراتش، مجبور به پیروی از

نظریه‌های علمی خاصی نبوده است و تصویب ممنوعیت استفاده از تورهای موصوف با وجود نبود دلایل متقن علمی، ایراد آشکاری برای ابطال مصوبه نیست (Ibid: 31-36).

در زمینه اعمال اصل بر قضاای مرتبط با محصولات ژنتیکی نو ترکیب نیز آرای متعددی صادر شده است که برای نمونه، می‌توان به قضیه مونسانتو اشاره کرد. موضوع این پرونده اعتراض به فرمان ۴ اوت ۲۰۰۰ رئیس شورای وزیران بود که با استناد به ماده ۱۲ آیین‌نامه ۲۵۸/۹۷ مربوط به غذاها و مواد غذایی جدید، بر تجارت برخی محصولات ژنتیکی نو ترکیب، محدودیت وضع کرده بود (Monsanto Case, 2003: 16). خواهان‌ها رعایت نکردن شرایط ماده ۱۲ و خطرساز نبودن آن مواد بر مبنای دلایل علمی را مبنای اعتراضشان قرار داده بودند (Ibid: 86). ماده ۱۲ به دول عضو اجازه می‌دهد تجارت مواد غذایی را براساس اطلاعات جدید از ریسک‌های محتمل معلق کنند. دیوان این ماده را که نوعی شرط حفاظتی است به‌منزله یک بیان مشخص از اصل احتیاط معرفی و خاطرنشان کرد چنین شروطی باید در پرتو اصل احتیاط تفسیر شوند (Ibid: 110). دیوان در ادامه با بیان شرایط اعمال اصل احتیاط مشتمل بر تعیین سطح ریسک قابل قبول و انجام ارزیابی ریسک، این اصل را بخشی از فرایند مدیریت ریسک و تصمیم‌گیری در واکنش مناسب به ریسک محتمل دانست (Ibid: 113-133).

از برجسته‌ترین قضایا در خصوص اصل احتیاط، قضیه فایزر است. موضوع دعوا؛ استفاده از ویرجینامایسین (نوعی آنتی‌بیوتیک) به‌منزله محرک رشد در غذای دام بود که ابتدا از سوی کمیسیون، سپس به موجب آیین‌نامه ۲۸۲۱/۹۸ شورای اروپا ممنوع شد. شورا در این مصوبه ابراز نگرانی کرد که زیاده‌روی در استعمال این مواد در غذای دام، موجب مقاومت به آنتی‌بیوتیک‌ها در انسان شود که از دام تزریق شده تغذیه می‌کند (Pfizer Case, 2002: 58-138). در آن زمان داده‌های علمی، نتایج واضحی در امکان مقاوم شدن بدن انسان، در نتیجه استفاده از گوشت حیوانات پرورش یافته با ماده مذکور را ارائه نمی‌دادند به‌همین جهت قبل از تنظیم آیین‌نامه یادشده، مباحثات گسترده‌ای میان دول عضو، ارکان اتحادیه و فایزر، به‌منزله تنها تولیدکننده ویرجینامایسین، در خصوص احتمال ایجاد مقاومت به آنتی‌بیوتیک‌ها در انسان، رد و بدل شد و برخی دول چون دانمارک به وضع محدودیت بر آن ماده در سرزمینشان اقدام کردند. دلایل دانمارک به کمیته علمی غذای دام اتحادیه تسلیم شد و این نهاد پس از انجام مطالعات اعلام کرد که استفاده از ماده مورد بحث، ریسکی جدی برای سلامت عمومی در دانمارک نیست (Ibid: 53). فایزر نیز در همین اثنا درخواست کرد صدور مجوزش بررسی مجدد شود (Ibid: 42-55) که مورد موافقت قرار نگرفت و در ادامه تصویب آیین‌نامه او را به ارائه دادخواست ابطال آن سند ناگزیر کرد (Ibid: 69).

فایزر و نهادهای اتحادیه بر این امر تردیدی نداشتند که تصمیم اتخاذشده در وضعیتی است که شدت ریسک، مشخص نبوده است و حتی وجود آن قطعی نیست (Ibid: 113)، اما اعتراض

فایزر به مبتنی نبودن مصوبه بر دلایل علمی، انجام نشدن ارزیابی ریسک کامل و خروج نهادهای اتحادیه از اختیار ازشان بود (Ibid: 128). دادگاه عمومی ضمن رد ادعاهای فایزر در رأی سال ۲۰۰۲ (Ibid: 491)، به بیان چارچوبی برای اعمال اصل احتیاط پرداخت که به جهت ارائه در بند بعد، در این مقام متعرض آن نمی شویم. در مجموع، دادگاه اعمال اصل در وضعیت نبود قطعیت را به انجام ارزیابی ریسک (اگرچه ناکامل) منوط می داند و زمانی که ریسک، آشکار باشد و با اطلاعات علمی در دسترس پشتیبانی شود اگرچه تحقق و دامنه آن کاملاً با دلایل علمی قطعی، قابل اثبات نباشد (Ibid: 140). این نظر دادگاه در قضیه بعدی استفاده از آنتی بیوتیک ها -آل فارما- نیز تکرار شد (Alpharma Case, 2002: 153).

رأی مهم دیگر، آر تگدان علیه کمیسیون است که در آن اصل احتیاط، به منزله اصل کلی حقوق اتحادیه شناسایی شد. موضوع این پرونده، اعتراض به بازپس گیری مجوز صادره در استفاده از آنورکتیک -نوعی فرآورده دارویی برای انسان که اشتها را سرکوب می کند- به موجب تصمیم ۹ مارس ۲۰۰۰ کمیسیون بود (Artegoda Case, 2002: 16). دادگاه عمومی در رأی سال ۲۰۰۲، ابتدا نسبت به قلمرو اصل احتیاط اظهار نظر و بیان کرد با وجود تصریح معاهده کارکرد به اعمال اصل در حوزه محیط زیست، این اصل بر فعالیت های ناظر بر حفاظت از سلامت عمومی و ایمنی مصرف کننده نیز حاکم است^۱ (Ibid: 183). دادگاه در خصوص ادعای نبود قطعیت در اثر استفاده آنورکتیک اظهار کرد؛ اصل احتیاط که می تواند به منزله اصل کلی حقوق اتحادیه شناخته شود، مقرر می دارد که مقامات صالحه برای جلوگیری از ریسک محتمل و مشخص برای سلامت عمومی، ایمنی و محیط زیست، اقدامات مقتضی را اتخاذ کنند که این امر با اعطای اولویت به اقتضائات ناشی از حفاظت از سلامت عمومی، ایمنی و محیط زیست بر منافع اقتصادی همراه است. همچنین، وقتی نهادهای اتحادیه در انجام کلیه فعالیت هایشان نسبت به حفاظت از سلامت عمومی، ایمنی و محیط زیست مسئول اند، اصل احتیاط را می توان به منزله اصل مستقلی که از مقررات مذکور برمی آید، در نظر گرفت (Ibid: 184). مرجع مذکور با رد ادعای خواهان، خاطر نشان کرد که براساس اصل احتیاط، وقتی داده های علمی جدید به بروز تردید نسبت به ایمنی یک محصول منجر شود، می توان بر مبنای دلایل قانع کننده و نه قاطع، مجوزهای صادره را تعلیق یا لغو کرد (Ibid: 192).

در قضیه پاراکوات؛ دولت های سوئد، دانمارک، اتریش و فنلاند با استناد به گزارش های علمی، به قرارداد داشتن ماده پاراکوات در لیست مجاز مصوب کمیسیون منضم به دستورالعمل ۲۰۰۳/۱۱۲ اعتراض کردند و خواستار لغو این مصوبه شدند (Paraquat Case, 2007: 52). آن ها مدعی بودند این مصوبه ناقض اصول سطح بالای حفاظت از محیط زیست و سلامت انسانی و

۱. مبنای این تسری در بند بعد تبیین خواهد شد.

احتیاط است (Ibid: 54). پاراکوات، یکی از ۳ ماده پرکاربرد در آفت‌کش‌هاست. برخی تحقیقات در زمان طرح دعوا نشان می‌داد که این ماده می‌تواند آثار مضر در اعصاب انسان داشته و زمینه‌ساز بیماری پارکینسون باشد (Ibid: 29-65). دادگاه عمومی در رأی ژوئیه ۲۰۰۷، به ماده ۵ دستورالعمل ۴۱۴/۹۱ اشاره کرد که استفاده از مواد لیست را تا جایی مجاز می‌داند که ضرری برای حیوانات و انسان‌ها نداشته باشد. دادگاه مصوبه کمیسیون را در پرتو اصل احتیاط تفسیر کرد و به جهت وجود تردیدهایی بر ضرررسانی این ماده به سلامت انسان، خروج آن از لیست مجاز کمیسیون را موجه اعلام کرد. دادگاه در این رأی نیز یادآور شد که اصل احتیاط تنها در برابر ریسک‌های محتمل قابل استناد است و بر ریسک‌های فرضی که مبنای آن از نظر علمی تأیید نشده‌اند، قابلیت اعمال ندارد (Ibid: 160-161).

مورد دیگر؛ درخواست دانمارک و پارلمان اروپایی در لغو تصمیم ۲۰۰۵/۷۱۷ کمیسیون، دائر بر اعطای معافیت کلی در استفاده از دو ماده شیمیایی خطرناک در تجهیزات الکتریکی و الکترونیکی بود (1: Electrical & electronic equipment Case, 2007). خواهان‌ها بر این نظر بودند که کمیسیون شرایطی که در بند ۱ ماده ۵ دستورالعمل ۹۵/۲۰۰۲ با موضوع محدودیت‌هایی بر استفاده از برخی مواد شیمیایی خطرناک در اقلام الکتریکی و الکترونیکی آمده را رعایت نکرده است. علاوه بر این، اعطای معافیت با داشتن رویکرد موسع به شرایط مقرر در دستورالعمل، خلاف هدف آن مصوبه است (Ibid: 29). دیوان اروپایی در رأی سال ۲۰۰۷، هدف دستورالعمل را ممنوعیت کاربرد مواد اشاره‌شده در آن اعلام کرد و اعطای معافیت را تنها در صورت انطباق دقیق با شرایط مقرر ممکن دانست (Ibid: 74). این مرجع در ادامه، با اشاره به لزوم تضمین سطح بالای حفاظت در تعریف و اجرای تمامی سیاست‌ها و اقدامات اتحادیه بر مبنای ماده ۱۶۹ معاهده کارکرد و با در نظر داشتن اثرگذاری اصل احتیاط بر سیاست‌های زیست‌محیطی به موجب بند ۲ ماده ۱۹۲ آن سند، تفسیر مضیق از شرایط اعطای معافیت مندرج در دستورالعمل مذکور را موجه دانست (Ibid: 75). چنانکه مشاهده می‌شود در این پرونده اصل احتیاط مبنایی برای لغو تصمیم نشد، بلکه اصلی تفسیری بود که از برداشت مضیق از شرایط ایمنی وضع‌شده از سوی قانون‌گذار اروپایی حمایت کرد.

دیوان دادگستری اروپایی در موضوعات مرتبط با تنوع زیستی نیز، تعهد به اعمال رویکرد احتیاطی را شناسایی کرده است. برای نمونه، در قضیه پرنندگان وحشی که مربوط به تفسیر بند ۴ ماده ۷ دستورالعمل ۷۹/۴۰۹ بود، دادگاه اداری نانت از دیوان در خصوص سازگاری تعیین زمان ثابت برای پایان فصل شکار با ماده اشاره‌شده، سؤال کرد. بند ۴ مقرر می‌دارد که گونه‌های تحت حمایت قانون شکار، در زمان تولیدمثل یا بازگشت به سرزمین اصلی نباید شکار شوند (Wild bird Case, 1993: 1, 3, 6). دیوان در رأی سال ۱۹۹۳، متذکر شد که تاریخ پایان شکار باید به روشی تعیین شود که از گونه‌های در حال جفت‌گیری حمایت کامل به عمل آید و

روش‌هایی که حفاظت از درصد خاصی از پرندگان را پوشش می‌دهد مطابق دستورالعمل مذکور نیست (Ibid: 13). دیوان با وجود نبود اطلاعات علمی درخصوص زمان پایان شکار هرگونه پرنده (نبود قطعیت علمی)، با اعمال رویکرد احتیاطی مقرر داشت که دول عضو نزدیک‌ترین زمان به کوچ پرندگان مهاجر را ملاک برای تعیین زمان موصوف قرار دهند که به عبارتی؛ مضیق‌ترین شیوه برای انتخاب زمان بود (Ibid: 21).

در قضیه صدف‌ماهی، هلند اجازه صید فصلی این نوع صدف را در منطقه وادنزی داده بود؛ منطقه‌ای که براساس دستورالعمل زیستگاه‌ها، ۹۲/۴۳، حفاظت‌شده محسوب می‌شد (Wadenzee Case, 2005: 8-11). گروه‌های طرفدار محیط‌زیست خواستار توقف صید شدند، زیرا این فعالیت را موجب بروز مشکل برای ذخایر غذایی پرستوها و تخریب‌کننده جانداران بستر وادنزی می‌دانستند ضمن آنکه بر این نظر بودند که جواز صید، ناقض مفاد دستورالعمل‌های حفاظت از پرندگان و زیستگاه‌هاست (Ibid: 12). دیوان با اشاره به بند ۳ ماده ۶ دستورالعمل زیستگاه‌ها اظهار کرد ارزیابی اثر یک برنامه یا فعالیت در صورتی انجام می‌شود که احتمال وجود ریسک بر زیستگاه وجود داشته باشد. اگر اطلاعات علمی عینی، ما را به نبود اثر مضر مطمئن نکند و شک معقولی در وجود آن اثر باقی بماند؛ در پرتو اصل احتیاط، وجود چنین ریسکی مفروض است (Ibid: 43-44). به نظر دیوان جمله دوم بند ۳ ماده ۶ این مطلب را تأیید می‌کند که اصل احتیاط، معیار اعطای مجوز در دستورالعمل است و جز با اعمال این معیار، امکان دستیابی به اهداف حفاظتی مصوبه وجود ندارد (Ibid: 58). چنانکه مشاهده می‌شود دیوان در اعمال اصل احتیاط در این رأی، آستانه بالایی یعنی قطعیت علمی را طلب کرد. علت این انتخاب که همان سطح خطر صفر است، مفاد مندرج در دستورالعمل زیستگاه‌ها بود که به دنبال حفاظت مطلق از پرندگان است. در بند ۳ ماده ۶ دستورالعمل مذکور آمده است که دولت‌ها در صورتی با طرح‌ها و پروژه‌های درخواستی در زیستگاه‌های مشخص شده موافقت می‌کنند که ثابت شود آن پروژه و طرح، تمامیت زیستگاه را به خطر نمی‌اندازد. همچنین تا زمانی که ریسک‌های معقول وجود داشته باشد، مجوز صادر نخواهد شد (Jiang, 2014: 500). این محکمه با رد دلایل هلند اعلام کرد که عملیات صید باید متوقف شود مگر اینکه اثبات شود این اقدام بر زیستگاه پرندگان هیچ ضرری ندارد (Wadenzee Case, 2005: 61).

در قضیه گوان، دیوان اروپایی بررسی کرد که آیا کمیسیون با وضع اقدامات محدودکننده در استفاده از نوعی آفت‌کش به نام فناریمول در دستورالعمل ۲۰۰۶/۱۳۴، مرتکب اشتباه فاحش در ارزیابی خود شده است؛ با توجه به این مطلب که ارزیابی ریسک قبلی کمیسیون، ضرر آفت‌کش یادشده را ناچیز اعلام کرده بود. دادگاه بر اختیار کمیسیون به اتخاذ اقدامات احتیاطی صحه گذاشت و بیان کرد که اصل احتیاط جزو جدایی‌ناپذیر از فرایند اتخاذ اقدامات

حفاظت از سلامت عمومی است و مقامات ذیصلاح اتحادیه لازم نیست منتظر اثبات کامل تحقق و شدت ریسک شوند. وقتی به این نتیجه رسیدیم که تعیین وجود و میزان ریسک ممکن نیست، زیرا نتایج مطالعات انجام شده قطعی، دقیق و کافی نیستند، اما احتمال ورود ضرر واقعی به سلامت عمومی وجود دارد، ریسک تحقق یافته تلقی می‌شود و اصل احتیاط توجیه کننده اتخاذ اقدامات محدودکننده خواهد بود به شرط آنکه تبعیض آمیز نباشند. دادگاه همچنین یادآور شد که نظرهای کمیته‌ها و ارزیابی‌های ریسک انجام شده بر کمیسیون الزام‌آور نیست و اقدامات محدودکننده اتخاذی با توجه به صلاحدید گسترده کمیسیون معتبر است (Gowan Case, 2010: 60, 74, 76, 82, 86).

در قضیه شرکت تجارت حیوانات بی‌وی علیه کمیسیون، دادگاه عمومی ضمن رد اعتراض خواهان به تصمیم کمیسیون، نظرهای دیوان دادگستری اروپایی در پرونده دانمارک علیه کمیسیون را تکرار و بیان کرد که کمیسیون وقتی می‌خواهد بر اساس بند ۱ ماده ۱۸ دستورالعمل ۹۱/۴۹۶ اقدامات محدودکننده اتخاذ کند تا مانع از شیوع بیماری‌های مشترک میان انسان و دام شود، براساس اصل احتیاط صلاحدید گسترده‌ای دارد و مختار است که در برابر انتشار بیماری اقدامات حفاظتی اتخاذ کند ضمن اینکه نهادهای مؤسسه از صلاحدید گسترده‌ای در تعیین سطح ریسک غیرقابل قبول برای جامعه هنگام اعمال اصل احتیاط برخوردارند (Animal Trading Company Case, 2013: 79-82).

در قضیه آسینو علیه کمیسیون، خواهان به تصمیم کمیسیون بر ممنوعیت ادامه فروش چهار محصول خود اعتراض کرد. علت اقدام کمیسیون، گزارش بازرسی اتحادیه از سایت تولید این شرکت در هند بود که رعایت نکردن رویه‌های صحیح تولید را نشان می‌داد. دلایلی ارائه نشد که این ایراد، اثر منفی در کیفیت و ایمنی محصولات دارد، اما کمیسیون مجوز صادره را لغو کرد. دادگاه عمومی با تأیید اقدام کمیسیون اظهار کرد که دلایل قانع کننده موجب بروز تردیدهایی معقول نسبت به آن محصولات شده و کمیسیون موظف است به موجب اصل احتیاط اقدامات متناسب را اتخاذ کند (Acino Case, 2013: 57-59).

از تازه‌ترین آرای صادره از سوی دیوان دادگستری اروپایی به دستورالعمل سال ۲۰۱۴ بر محصولات دخانی مرتبط است که بر عرضه این محصولات از سال ۲۰۲۰ محدودیت‌هایی مقرر می‌کند و مقرراتی نیز برای سیگارهای الکترونیکی در نظر می‌گیرد. لهستان، رومانی و دادگاه‌های انگلیس خواستار لغو و بررسی اعتبار بخش‌هایی از این مصوبه شدند. دیوان در رأی مه ۲۰۱۶ نظر داد که با توجه به ریسک‌های شناخته شده و محتمل سیگارهای الکترونیکی، رفتار پارلمان و شورا در ایجاد محدودیت (مانند نصب برچسب هشداردهنده و تعیین مقدار مشخص برای نیکوتین به کاررفته در این سیگارها) مطابق شرایط لازم در اتخاذ اقدام احتیاطی بوده و دستورالعمل موصوف معتبر است (CJEU press release, 2016: 2).

اولین و تنها قضیه‌ای که تاکنون دیوان اروپایی حقوق بشر اصل را اعمال کرده، قضیه تاتار علیه رومانی است که در آن پدر و پسری ادعا کردند که استفاده از سدیم سیانید در هوای آزاد که در فعالیت‌های معدنی یک شرکت به کار گرفته می‌شود، زندگی‌شان را در خطر قرار داده است. بخشی از فعالیت‌های معدنی شرکت در مکانی نزدیک خانه خواهان‌ها بود. علاوه بر این، در سال ۲۰۰۰ در سایت مذکور حادثه‌ای رخ داد که به گزارش سازمان ملل حجم بالایی از سیانید را آزاد و آب را آلوده کرد. خواهان در کنار اعتراض به کوتاهی دولت رومانی به اتخاذ اقدامات حفاظتی برای سلامت شهروندان، به اقدام‌نکردن آن دولت در حادثه مذکور نیز معترض شد. دیوان در رأی ۲۷ ژانویه ۲۰۰۹، رومانی را ناقض ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (حق بر زندگی خصوصی و خانوادگی) دانست، زیرا به‌موجب آن مقرر، دولت موظف بوده است خطرهایی را که فعالیت‌های معدن همراه دارد ارزیابی کند و برای حفاظت از حقوق شخصی و منازل افرادی که تحت تأثیر اقدامات مناسبی اتخاذ کند. دیوان خاطر نشان می‌کند که این امر به جهت حفاظت از حق افراد بر سلامت و محیط‌زیست سالم است. دو خواهان نتوانسته‌اند رابطه علی بین قرارگرفتن در معرض سدیم سیانید و بیماری آسم را اثبات کنند، اما اصل احتیاط اقتضا دارد که در وضعیت نبود قطعیت علمی، به تعویق انداختن اتخاذ اقدام مؤثر و متناسب از سوی دول موجه نیست. دولت رومانی موظف به اتخاذ اقدامات حفاظت‌کننده بوده و استمرار فعالیت کارخانه پس از حادثه سال ۲۰۰۰ نقض اصل احتیاط است (ECtHR (Factsheet on Environment & the ECHR, 2016: 12).

۲. تنویر اصل

تا اینجای بحث استناد به اصل در قوانین داخلی، اسناد و رویه قضایی اتحادیه تأیید شد. اکنون نوبت آن است بررسی کنیم که آیا آنچه در رویه قضایی مورد استناد و اعمال قرار گرفته است، ساختاری واحد و نظام‌مند از اصل احتیاط است؟

۲.۱. حوزه اعمال

اولین سؤالی که مطرح می‌شود، حوزه اعمال اصل احتیاط در اتحادیه اروپاست. از مطالعه معاهده کارکرد اتحادیه، تنها این پاسخ به دست می‌آید که مطابق بند ۲ ماده ۱۹۱، اعمال اصل احتیاط تنها در قلمرو سیاست‌های زیست‌محیطی سازمان تصریح شده است. رجوع به آرای نهادهای قضایی اروپایی، پاسخ ارائه‌شده را اصلاح کرده است و نشان می‌دهد که اصل احتیاط قابلیت اعمال در حوزه‌های سلامت عمومی (قضیه فایزر) و حمایت از مصرف‌کننده (قضیه آرتگدان) را نیز داراست. مبنای حقوقی این تسری، برقراری ارتباط میان مواد ۱۱، ۱۶۸، ۱۶۹ و

۱۹۱ معاهده کارکرد است. از یک سو طبق ماده ۱۹۱، سیاست‌های زیست‌محیطی در دستیابی به اهداف سلامت عمومی نیز کمک می‌کنند. از سوی دیگر، مطابق مواد ۱۶۸، ۱۶۹ و ۱۱ به ترتیب، باید الزامات حفاظت از سلامت عمومی، ایمنی مصرف‌کننده و محیط‌زیست در کلیه سیاست‌ها و فعالیت‌های اتحادیه گنجانده شوند. در نتیجه، اصل احتیاط که براساس ماده ۱۹۱ زیربنای سیاست‌های زیست‌محیطی و طبق ماده ۱۱ از اقتضات حفاظت از محیط‌زیست است بر دو حوزه سلامت عمومی و ایمنی مصرف‌کننده اعمال می‌شود (Artogdan Case, 2002: 64; TSE Case, 2011: 64; Pfizer Case, 2002: 114; 183). دادگاه عمومی به این یافته بسنده نکرد و در قضیه آرتگدان بیان داشت که وقتی نهادهای اتحادیه در انجام کلیه فعالیت‌هایشان نسبت به حفاظت از سلامت عمومی، ایمنی و محیط‌زیست مسئول‌اند، اصل احتیاط را می‌توان به‌منزله اصل مستقلی که از مقررات مذکور برمی‌آید، در نظر گرفت (Artogdan Case, 2002: 184). اثر عملی این بیان، حاکمیت اصل احتیاط بر تمامی سیاست‌ها و فعالیت‌های نهادهای اتحادیه است.

۲.۲. نحوه اعمال اصل

در معاهده کارکرد اتحادیه، تنها عبارت اصل احتیاط آمده است و تعریفی از آن دیده نمی‌شود. دادگاه‌های اروپایی برداشت خود از اصل را با این عبارت نشان داده‌اند: «وقتی درخصوص وجود یا اندازه ریسک، نبود قطعیت وجود دارد، اقدامات حفاظتی بدون انتظار برای تحقق یا شدت یافتن ریسک یا آثار مضر بر سلامت اتخاذ می‌شود» (Pfizer Case, 2002: 132, 139,) (141; Monsanto Case, 2003: 111; Mad Cow Case, 1998: 99; TSE Case, 2011: 68). تردیدی نیست که تکرار این بیان در آرای متعدد، نقطه قوتی در مقابله با منکران وضعیت عرفی اصل احتیاط است، اما چنین عبارت مجملی به‌تنهایی به قوام اصل کمکی نمی‌رساند. بهتر است با مراجعه به آرا بررسی کنیم که چه نکات و راهنمایی‌هایی از سوی مراجع قضایی اروپایی برای رفع این اجمال ارائه شده است.

دادگاه در یک تعریف کاربردی از ریسک بیان می‌دارد؛ آن احتمالی که استفاده از یک کالا یا انجام یک فعالیت، منافع حفاظت‌شده از سوی نظم حقوقی را به خطر خواهد انداخت (Pfizer Case, 2002: 147). در اینجا سؤالی مطرح می‌شود؛ قطعیت ریسکی که باید در برابر آن اقدام احتیاطی اتخاذ کرد، چقدر است؟ در یک تقسیم‌بندی ریسک به قطعی، فرضی و باقیمانده دسته‌بندی می‌شود. واکنش به ریسک قطعی در قلمرو اصل پیشگیری قرار دارد و از حوزه مورد بحث ما خارج است. راهنمایی رویه قضایی درخصوص دو دسته دیگر، خروج ریسک فرضی از شمول اعمال اصل و اجرای انحصاری آن بر سایر ریسک‌ها یا همان ریسک‌های غیرقطعی است. به عبارت دیگر، یک اقدام جلوگیری‌کننده نمی‌تواند بر رویکرد فرضی از ریسک که مبتنی بر

حدس صرف است، استوار باشد؛ حدسی که از نظر علمی تأیید نشده است (Ibid: 143; Monsanto Case, 2003: 106; EFTA corn flakes Case, 2001: 36-38; TSE Case, 2011: 75). اصل احتیاط در موقعیت‌هایی اعمال می‌شود که ریسکی وجود دارد که با داده‌های علمی در دسترس، در زمان اتخاذ تصمیم پشتیبانی می‌شود (Pfizer Case, 2011: 76; TSE Case, 2002: 144) و کاملاً اثبات نشده است، اما بر حدس صرف که از سوی داده‌های علمی تأیید نشده است نیز استوار نیست (Pfizer Case, 2007: 161; Paraquat Case, 2002: 146).

در گام بعد، با کناررفتن ریسک‌های فرضی، باید ریسکی که با دانش حداقلی پشتیبانی می‌شود ارزیابی شود. رویه قضایی در این مرحله طی دو گام را ضروری می‌داند؛ تعیین سطح ریسک غیرقابل قبول و انجام ارزیابی ریسک. منظور از مؤلفه نخست، آن آستانه‌ای است که بالاتر از آن، باید اقدامات احتیاطی اتخاذ شود (Pfizer Case, 2002: 70; TSE Case, 2011: 149).

در خصوص تعیین سطح ریسک غیرقابل قبول، دادگاه آن را تصمیمی سیاسی و در محدوده اختیارات نهادهای اتحادیه می‌داند که از هر قضیه به قضیه دیگر متفاوت خواهد بود. نهادهای ذی صلاح در چارچوب اختیارات اعطایی، با توجه به اصول حاکم بر نظم حقوقی و اهداف سیاسی مدنظر تصمیم می‌گیرند که وجود ریسک تا چه آستانه‌ای قابل اغماض است. تعیین این سطح به معنای تعیین میزان احتمال آثار مضر ناشی از ریسک و شدت چنین آثاری است (Ibid: 151; Ibid: 78). حال باید دید آیا سیاسی بودن تصمیم، به معنای اختیار مطلق مقام ذی ربط در تعیین سطح مذکور است؟ رویه قضایی به روشنی، وجود محدودیت بر این صلاحیت را یادآور می‌شود و نهاد ذی ربط را به انتخاب سطح خطر صفر مجاز نمی‌داند، زیرا به خوبی می‌دانیم زندگی بشر آمیخته با ریسک است و نمی‌توان نسبت به کلیه ریسک‌ها واکنش نشان داد ضمن آنکه به‌واقع نمی‌توان از نظر علمی ثابت کرد که یک محصول یا فعالیت در حال یا آینده قطعاً موجب ریسک نخواهد بود (Ibid: 145-152; Ibid: 79). این نظر دادگاه عمومی و دیوان دادگستری اروپایی اندکی با نظر دادگاه انجمن اقتصاد آزاد اروپا متفاوت است به طوری که مرجع اخیر در شرایط استثنایی امکان هدف‌گذاری بر سطح خطر را صفر می‌دهد (EFTA corn flakes Case, 2001: 23). علاوه بر این، در برخی اسناد اتحادیه مانند آیین‌نامه آفت‌کش‌های محافظ محصولات ۹۱/۴۱۴ (بند ۱ ماده ۵) و زیستگاه‌ها، ۹۲/۴۳ (بند ۳ ماده ۶) سطح خطر صفر منظور نظر است.

رویه قضایی به مقام تصمیم‌گیرنده پیشنهاد می‌دهد که در تعیین سطح مذکور، عوامل مختلفی را مدنظر قرار دهد مانند شدت آثار مضر در سلامت عمومی، ایمنی و محیط‌زیست، مقاومت یا برگشت‌پذیری پیامدهای ریسک، امکان به‌تعویق انداختن آن تبعات و میزان درکی که

نسبت به ریسک بر مبنای دانش علمی در دسترس وجود دارد (Pfizer Case, 2002: 153; TSE Case, 2011: 80).

در اینجا مناسب است به آستانه خسارت ناشی از ریسک اشاره‌ای داشته باشیم که به‌نوعی با تعیین سطح ریسک غیرقابل قبول در ارتباط است. برخلاف بیشتر اسناد بین‌المللی که برای خسارت محتمل، آستانه‌ای چون شدیدبودن یا برگشت‌ناپذیری را تعریف کرده‌اند (بیانیه ریو و کنوانسیون تغییرات اقلیمی)، در اسناد اتحادیه چنین حدی تعیین نشده است. به نظر دادگاه این مسئله با سطح ریسک غیرقابل قبول ارتباط می‌یابد که در اتحادیه تصمیمی سیاسی و تابع ارزش‌های سیاسی و اجتماعی مدنظر مقام تصمیم‌گیرنده است. دادگاه این راهنمایی را نیز ارائه می‌دهد که در فرایند مذکور ممکن است به شدت نتایج و میزان مقاومت پیامدها توجه شود (Pfizer Case, 2002: 153).

پس از تعیین سطح ریسک غیرقابل قبول، نوبت به طی گام دوم می‌رسد و آن انجام ارزیابی ریسک است که از دید رویه قضایی باید در مواجهه با نبود قطعیت حاکم بر یک موقعیت صورت گیرد (Ibid: 155-156; Monsanto Case, 2003: 113-114). ارزیابی ریسک از چهار مرحله تشکیل می‌شود: تعیین عامل خطرزا، توصیف آن، ارزیابی آسیب‌پذیران ریسک و ویژگی‌سنجی ریسک. تعیین عامل خطرزا به معنای شناسایی آن عامل فیزیکی، شیمیایی و زیستی است که ممکن است اثر مضر داشته باشد. توصیف یا خصوصیت شناسایی عامل خطرزا، تعیین ماهیت و شدت آثار مضر است که همراه عامل یا فعالیت تحت بررسی است. ارزیابی آسیب‌پذیران ریسک شامل ارزیابی کمی یا کیفی میزان احتمالی است که آسیب‌پذیران، در معرض عامل خطرزا قرار می‌گیرند. ویژگی‌سنجی ریسک نیز تخمین کمی یا کیفی احتمال بروز، تکرار و جدیت آثار مضر محتمل بر سلامت عمومی یا محیط‌زیست است (TSE Case, 2011: 72).

این ارزیابی از سوی نهادهای علمی انجام می‌شود و بر اصول استقلال، شفافیت و انجام ارزیابی با بهترین اطلاعات و به بهترین نحو^۱ استوار است (Pfizer Case, 2002: 156-157-159; Ibid: 73-74, 89).

بسته به دانش علمی مرتبط با قضیه، انجام ارزیابی ریسک الزاماً به تعیین ریسک و آثار آن نمی‌انجامد و اینجاست که اصل احتیاط امکان ورود می‌یابد. به بیان دادگاه وقتی تعیین قطعی ریسک یا دامنه آن به دلیل کافی، قطعی و دقیق نبودن نتایج مطالعات انجام‌شده ممکن نباشد، اما احتمال ورود ضرر واقعی در صورت تحقق ضرر وجود دارد، می‌توان بر مبنای اصل احتیاط اقدامات محدودکننده اتخاذ کرد (Pfizer Case, 2002: 156-393; EFTA corn flakes Case, 2001: 31). در این مرحله با وجود نبود قطعیت علمی، نتایج ارزیابی ریسک انجام‌شده به مقام تصمیم‌گیرنده تحویل می‌شود و به او اجازه می‌دهد بر مبنای بهترین داده‌های در دسترس و

1. Principle of Excellency.

جدیدترین پژوهش‌های بین‌المللی نتیجه بگیرد که آیا ریسک موصوف از سطح قابل قبول برای اتحادیه بالاتر رفته است؟ (Pfizer Case, 2002: 162, Monsanto Case, 2003: 113). دادگاه تأکید می‌کند که تصمیم اتخاذی در سنجش فراتر رفتن ریسک از سطح تعیین‌شده، باید بر دلایل محکم و قانع‌کننده مبتنی باشد؛ دلایلی که رافع نبود قطعیت علمی نیستند، اما به‌گونه‌ای معقول تردیدهایی نسبت به ایمنی محصول ایجاد می‌کنند (Artegodan Case, 2002: 192).

حال تصور کنیم پس از شناسایی ریسک و ارزیابی آن، اطلاعاتی تسلیم مقام تصمیم‌گیرنده شده است، آیا وی موظف به تبعیت از نظرهای علمی به‌دست‌آمده است؟ به‌عبارت‌دیگر، در مرحله تصمیم‌گیری یا مدیریت ریسک، آنچه تعیین‌کننده خواهد بود تنها یافته‌های علمی است یا عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز امکان تأثیرگذاری دارند؟ به تأیید دادگاه، نظرهای علمی ارائه‌شده برای مقام تصمیم‌گیرنده الزام‌آور نیست (Mondiet Case, 1993: 31-32) و مقام تصمیم‌گیرنده می‌تواند بر برخی جنبه‌های آن تکیه کند و درعین‌حال نتایج آن را ندیده بگیرد (Pfizer Case, 2002: 200). در این حالت، نهاد تصمیم‌گیرنده باید علت بی‌توجهی به نتایج مذکور را ارائه و دلایل توجیهی تصمیم خود را بیان کند. باید توجه داشت که دلایل وی باید از نظر کیفیت علمی حداقل هم‌سطح با دلایل ردشده باشند (Ibid: 199).

آخرین نکته‌ای که باید مقام ذی‌صلاح قبل از اتخاذ تصمیم احتیاطی رعایت کند، انجام تحلیل هزینه-منفعت است. در بیانی ساده، هزینه اقدام و ضرر ناشی از اقدام‌نکردن مقایسه شود. دادگاه عمومی در قضیه فایزر، تحلیل مذکور را بیانی خاص از اصل تناسب در مدیریت ریسک می‌داند. به‌موجب این اصل، نهادهای اتحادیه نباید از مرزهای آنچه برای دسترسی به اهداف مشروع مصوبات لازم است فراتر روند و زمانی که امکان انتخاب بین چند اقدام وجود دارد، باید موردی را انتخاب کنند که محدودیت کمتری ایجاد می‌کند (Ibid: 410-411).

۲.۳. بازبینی قضایی

تا اینجا اصول راهنمای دیوان و سایر محاکم قضایی در خصوص اعمال اصل را بیان کردیم. حال تعریفی به حدود ورود آن محاکم در رسیدگی به قضایای مرتبط با اصل می‌زنیم؛ به‌عبارت‌دیگر، می‌خواهیم بدانیم محاکم تا چه حد در امور فنی و ماهوی قضیه دخالت می‌کنند. مراجع مذکور مانند کمیسیون که اعمال اصل احتیاط را تصمیمی سیاسی می‌داند، حاشیه صلاحیت وسیعی برای ارکان اتحادیه در اتخاذ اقدامات مبتنی بر اصل احتیاط قائل‌اند. دیوان، بررسی نهاد قضایی را به مسئله تخطی فاحش نهادها از اختیارات قانونی یا سوءاستفاده از اختیاراتشان محدود می‌داند (Monsanto Case, 2003: 135; Ibid, 1999: 166-169) و تصریح می‌کند که هیچ‌گاه رأساً به اظهارنظر یا ارزیابی دلایل علمی و فنی صورت‌گرفته از سوی مقامات

تصمیم‌گیرنده نمی‌پردازد؛ امری که معاهده کارکرد به آن‌ها محول کرده است (TSE Case, 86: 2011). دیوان اعلام می‌دارد که نهادهای اتحادیه باید بتوانند نشان دهند که در وضع یک اقدام احتیاطی صلاحیتشان را از طریق در نظر گرفتن کلیه عوامل و اوضاع و احوال مربوطه اعمال کرده‌اند (Ibid: 88).

چنانکه مشاهده می‌شود رویه قضایی اروپایی چارچوبی را برای اعمال اصل ترسیم کرده‌اند و کلیه قضایا را در آن به تحلیل می‌کشانند. اگرچه به جهت درونی شدن تفکر احتیاطی در این منطقه، نوعی تمایل مراجع قضایی در پذیرش نقض اصل احتیاط در آرا مشاهده می‌شود در عین حال، این حقیقت را نیز نمی‌توان نادیده گرفت که تلاش شده است از خطوط ترسیمی اصلی انحرافی صورت نگیرد و در صورتی که شروط مقرر رعایت نشوند، اعمال اصل احتیاط بر قضیه رد شود؛ امری که در قضایایی چون بیماری پریون و ذرت غنی شده رخ داد.

موضوع دعوی اول به تصویب آیین‌نامه ۷۲۷/۲۰۰۷ برمی‌گردد که اقدامات محدودکننده قبلی در خصوص کنترل بیماری پریون که شامل اسکرابی در گوسفندان و جنون گاوی در گاوهاست را کمتر کرد. علت این امر، نتایج مطالعات جدید بود که امکان انتقال اسکرابی در نتیجه تغذیه از گوشت گوسفند را نامحتمل می‌دانست. فرانسه با ادعای نقض اصل احتیاط خواستار ابطال آیین‌نامه سال ۲۰۰۷ شد (Ibid: 47). کمیسیون به اجماع بین‌المللی در میان دانشمندان و سازمان‌های بین‌المللی استناد کرد که دلیلی بر اثبات امکان انتقال بیماری وجود ندارد، در مقابل فرانسه خواستار اعمال دیدی غیرمضیق نسبت به نتایج مطالعات و داشتن نگاه محتاطانه در برخورد با ریسک محتمل شد (Ibid: 94-98). دادگاه ضمن تأکید بر واردنشدن به ماهیت ارزیابی صورت گرفته، نتیجه گرفت که کمیسیون براساس ارزیابی‌های ریسک انجام شده و دلایل علمی موجود به این نتیجه رسیده است که سطح ریسک محتمل، از آنچه برای اتحادیه قابل اغماض است بالاتر نرفته و در نتیجه اقدامات محدودکننده را کاهش داده است. دلایل علمی فرانسه نیز به گونه‌ای نیست که اعتبار و قدرت اقناع‌کنندگی مستندات کمیسیون را زیر سؤال برد (Ibid: 99-100). به عبارت دیگر، ریسک ادعایی فرانسه، فرضی و بدون پایه‌های علمی است. در نتیجه، دیوان اتخاذ اقدامات ذیل آیین‌نامه موصوف از سوی کمیسیون را ناقض اصل احتیاط و حفاظت از سطح بالای سلامت عمومی ندانست (Ibid: 265).

در قضیه ذرت غنی شده، مقام ناظر انجمن تجارت آزاد اروپا^۱ علیه نروژ در دادگاه آن سازمان طرح دعوا کرد و مدعی شد دولت خواننده تعهدش ذیل ماده ۱۳ اساس‌نامه سازمان مبنی بر منع برقراری محدودیت بر واردات و اقدامات مشابه را نقض کرده است. بر این ممنوعیت، در ماده ۱۱ استثنایی در نظر گرفته شده بود و آن؛ اعمال محدودیت به‌منظور حفاظت از سلامت

۱. سازمان تجاری مستقل متشکل از ایسلند، نروژ، سوئیس و لیختن‌اشتاین

عمومی بود (EFTA corn flakes Case, 2001: 23). موضوع اختلاف، به امتناع دولت نروژ در اعطای مجوز به شرکت کلاگز برای فروش ذرت غنی شده برمی گشت که دلیلش، بی نیازی تغذیه ای مردم نروژ به فرآوری سازی ذرت عنوان شده بود. نروژ ادعا کرد که پژوهش های فعلی نشان می دهد استفاده غیرکنترل شده ذرت غنی شده می تواند ریسکی بر سلامت انسانی باشد (Ibid: 1-2, 5). دادگاه در این قضیه اختیار دولت در تعیین سطح حفاظت مدنظرش را شناسایی و خاطر نشان کرد که در صورت نبود قطعیت در خصوص ریسک، دول عضو حق اتخاذ اقدام احتیاطی دارند (Ibid: 25). مرجع مذکور پس از ذکر شرایط اعمال اصل احتیاط که دقیقاً مانند رویه قضایی دیوان دادگستری اروپایی است، اقدامات نروژ را قابل توجیه براساس آن اصل ندانست، زیرا افتان نشد آن کشور ارزیابی ریسک جامعی را قبل از رد درخواست مجوز کلاگز انجام داده باشد. علاوه بر این، نگرانی و ریسک معرفی شده از سوی آن کشور را نیز فرضی و خیالی تشخیص داد (Ibid: 29, 35, 37, 42). به اکثریت بندهای این رأی در آرای دادگاه های عمومی و دیوان دادگستری اروپایی استناد شده است.

نتیجه گیری

به بیان دی سادلیر؛ در تاریخ حقوق بین الملل محیط زیست هیچ اصل دیگری مانند اصل احتیاط مناقشه ایجاد نکرده است (De Sadeleer, 2010: 184). به موازات نفی و اعتراض های مکرر دولت هایی چون ایالات متحده و برخی اندیشمندان حقوقی، این اصل حمایت قابل توجهی از دول اروپایی و نظام حقوقی اتحادیه اروپا دریافت کرده است. در کنار تدوین آن در قوانین داخلی، قواعد و رویه قضایی اتحادیه نقشی بی مانند در تنویر ابعاد اصل ایفا کرده اند. اگر کمیسیون اروپایی با تنظیم ابلاغیه در سال ۲۰۰۰، چارچوبی برای اعمال اصل مهیا می کند، رویه قضایی نیز با به کار بستن مفاد سند و البته همراه با انجام اصلاحات مقتضی، ثابت می کند که ضرورتی ندارد معنای دقیق ارکان اصل و کارکرد آن با جزئیات در اسناد بین المللی و در یک ماده بیست یا سی کلمه ای ذکر شود. به واقع، این مقامات اجرایی و قضایی اند که در فرایند اجرا و تفسیر یک مفهوم حقوقی، از آن ابهام زدایی می کنند.

قواعد و رویه قضایی اتحادیه مقرر می کنند که اصل احتیاط تصمیمی سیاسی است و به تبع، مقام تصمیم گیرنده حاشیه صلاحیت وسیعی در اتخاذ تصمیمش دارد، اما باید در این فرایند، مراحل را طی کند: تمامی دلایل علمی موجود در خصوص یک ریسک قابل تعیین (و نه فرضی) و آثار مضر محتمل آن را بررسی کند، در بررسی خسارات محتمل ضرورتی وجود ندارد، آستانه های متداول شدت و برگشت ناپذیری را در نظر گیرد، اصول تناسب، منع تبعیض و یکپارچگی حقوقی را مطمح نظر قرار دهد، تحلیل کلی هزینه-منفعت از عوامل اقتصادی و

غیراقتصادی در ابعاد کوتاه و بلندمدت انجام دهد و در نهایت اقدامی آگاهانه، معقول و غیرخودسرانه اتخاذ کند. این تصمیمات در پرتو یافته‌ها و دلایل علمی جدید قابل‌بازنگری خواهند بود. در خصوص جابه‌جایی بار اثبات نیز آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوطه راهنمایی لازم را ارائه خواهند داد.

بدین ترتیب با شکل‌گیری چارچوبی منسجم برای اجرای اصل احتیاط و تبیین ارکان و معانی آن در نظام حقوقی اتحادیه، از بزرگ‌ترین دلایل مخالفان وضعیت عرفی برای اصل احتیاط به کنار می‌رود. همچنین، تجلی اصل در اسناد اولیه و مقررات ثانویه اتحادیه اروپا و اعمال مکرر آن از سوی دادگاه‌های عمومی، دیوان دادگستری اروپایی و دیوان اروپایی حقوق بشر مهر تأییدی بر تبدیل احتیاط به یک اصل عرفی منطقه‌ای می‌زند.

منابع

الف) فارسی

۱. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی اجرای اصل احتیاط زیست‌محیطی در پرتو آرا و تصمیمات مراجع بین‌المللی»، فصل‌نامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۴۰، ۱۶۷-۱۷۹.
۲. موسوی، سید فضل‌الله، آرش‌پور، علیرضا (۱۳۹۴). «جایگاه اصل احتیاطی در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، فصل‌نامه مطالعات حقوق عمومی، شماره ۴۸، ۱۴۱-۱۶۴.

ب) انگلیسی

3. Bodansky, Daniel (2004). Deconstructing the Precautionary Principle in Caron, David D., Scheiber, Harry N. (eds.), *Bringing new law to ocean waters*, Leiden, Martinus Nijhoff Publications.
4. De Sadeleer, Nicolas (2002). *Environmental Principles: From Political Slogans to Legal Rules*, Oxford University Press, New York.
5. De Sadeleer, Nicolas (2007). Lessons from International, EU and Nordic Legal Regimes in De Sadeleer, N. (ed.), *Implementing the Precautionary Principle Approaches from the Nordic Countries, EU and USA*, London, Earth Scan.
6. De Sadeleer, Nicolas (2007). Origin, Status and Effects of the Precautionary Principle in De Sadeleer, Nicolas (ed.), *Implementing the Precautionary Principle Approaches from the Nordic Countries, EU and USA*, London, Earth Scan.
7. De Sadeleer, Nicolas (2004). *The Effect of Uncertainty on the Threshold Levels to which the Precautionary Principle Appears to be Subject in Applegate, J. S., Environmental Risk*, Ashgate/Dartmouth Publication. Vol. II
8. De Sadeleer, Nicolas (2010). *The Principle of Prevention and Precaution in International Law: Two Heads of the Same Coins?* in Fitzmaurice, Malgosia,

- Ong, David, M., Mercurius, Panos, (eds.), Research Handbook on International Environmental Law, Cheltenham, Edward Elgar.
9. Feintuck, M. (2005). "Precautionary Maybe, but What's the Principle? The Precautionary Principle, the Regulation of Risk, and the Public Domain", *Journal of Law and Society*, Vol. 32, No. 3, 371-398.
 10. Jiang, Patrick (2014). "A Uniform Precautionary Principle under EU Law", *PKU Transnational Law Review*, Vol.2, No. 2, 490-518.
 11. Hollo, Erkki (2007). Finland in De Sadeleer, Nicolas (ed.), *Implementing the Precautionary Principle Approaches from the Nordic Countries, EU and USA*, London, Earth Scan.
 12. Michanek, Gabriel (2007). Sweden in De Sadeleer, Nicolas (ed.) *Implementing the Precautionary Principle Approaches from the Nordic Countries, EU and USA*, London, Earth Scan.
 13. Ruessmann, Laurent A. (2002). "Putting the Precautionary Principle in its place: Parameter for the Proper Application of a Precautionary Approach and the Implications for Developing Countries in Light of the Doha WTO Ministerial", *American University International Law Review*, Vol. 17, 905-948.
 14. Sands, Philippe, Peel, Jacqueline (2012). *Principles of International Environmental Law*, Cambridge, Cambridge University Press.
 15. Zander, Joakim (2010). *The Application of the Precautionary Principle in Practice*, Cambridge, University Press Cambridge.
 16. Vander Zwaag, David (2013). "The ICJ, ITLOS and the Precautionary Approach: Paltry Progressions, Jurisprudential Jousting", *University of Hawai'i Law Review*, Vol. 35, No. 2, 617-632

Cases

17. Case 53/80, 1981 E. C. R.(Nisin Case; Koninklijke Kaasfabriek Eyssen BV).
18. Case 174/82, 1983 E. C. R.(Sandoz Case).
19. Case C-405/92, 1993, E.C.R. I-5175(Mondiet Case).
20. Case C-435/93, 1994, E.C.R. I-67 (wild bird Case; Association Pour la Protection des Animaux Sauvages et prefet de maine et loire de Prefet de la laire-Atlantique).
21. Case C-180/96, UK. v. Commission, 99 E.C.R. I-8105 (mad cow Case).
22. Case E-3/00 (EFTA corn flakes Case).
23. Case T-13/ 99 (Pfizer Case).
24. Case T- 70/99, 2002 E. C. R. II- 3495 (Alpharma Case).
25. Case T-74/00 (Artegoda Case).
26. Case C-236/01, 2003 E.C.R. I-8150 (Monsanto Case).
27. Case C-127/02, 2005, E.C.R. I 6515 (Wadenzee Case).
28. Case C-14/06 and Case C-295/06 2007, E.C.R. I-7441 (Electrical and electronic equipment Case).
29. Case T-229/04 Sweden v Commission, 2007 E.C.R. I-2437 (ParaquatCase).
30. Case C-77/09 (Gowan Case).
31. Case T-333/10 (Animal Trading Company Case).
32. Case T-257/07, 2011, (TSE Case).
33. Case C-269/13 P (Acino Case).
34. Joined Cases C-358/14, C-477/14 and C-547/14 (Electronic Cigarettes Cases).

Documents

35. Communication from the Commission on Consumer Health and Food Safety, 1997.
36. Court of justice of European Union, (2016), CJEU press release No. 48/16. Luxembourg.
37. ECHR Factsheet on Environment and the European Convention on Human Rights (2016), Retrieved from: http://www.echr.coe.int/documents/fs_environment_eng.pdf Accessed: 20/12/2016
38. Summary of the Communication from the Commission on the precautionary principle, 2001.
39. TMA Asser Institute Report (2011). *Considerations on the application of the Precautionary Principle in the chemicals sector*, 9-70, Retrieved from: http://ec.europa.eu/environment/chemicals/reach/publications_en.htm, Accessed: 10/5/2016.

